Scientific quarterly (scientific-research article) of Islamic world political research
Vol. 14, No. 2, Summer 2024, 1-25
DOI: 10.21859/priw-140201

Analysis of the future-research process of the political thought of Shia thinkers regarding legitimacy in the foundations of governance of the Islamic Republic of Iran

Hamidreza Moamari[1], Jalal Dorakhshah[2], Seyyed Mostafa Abtahi[3]

Date of Received: 2023/10/09 **Date of Acceptance**:2024/03/17

Abstract

Political thought, having great antecedents in the history of thought, has had a decisive place in the life, governance and social objectivity of human politics, and the political thinkers of countries have played an important role in identifying policies and strategies to achieve a desirable future. The rule of the Islamic Republic of Iran with the claim of Islamic and Shia civilization is no exception to this. Therefore, the growth of political thought depends on having a decisive position in the governance components of Iran. This research tries to use the interdisciplinary method of future studies and rely on the trend analysis, while presenting a situation of the political thought of Shia thinkers regarding the component of political legitimacy, to show a picture of the future of this component in the governance of the Islamic Republic of Iran in order to take a step in the direction of politics. The macro investment of this field of knowledge should be removed.

Keywords: Process, political thought, legitimacy, governance

1. Doctoral student of Political Thoughts, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran. armanemrouz@gmail.com

2. Professor of the Department of Political Science, Political Thought in Islam, Imam Sadiq University (AS) and part-time faculty member of the Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Research Sciences Unit, Islamic Azad University,TEHRAN,IRAN (responsible Author) , j.dorakhshah@yahoo.com

3. Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Law, Theology and Political Science, Faculty of Law and Political Science, Research Science Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran. s.mostafaabtahi@gmail.com

Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/ or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA...

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام
۲
سال چهاردهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی – پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال چهاردهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳، صص ۲۵ – ۱

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۴۰۲۰۱

آینده‌پژوهی اندیشه سیاسی شیعه پیرامون مشروعیت در مبانی حکمرانی ج.ا.ایران

حمیدرضا معمری[۱]
جلال درخشه[۲]
سیدمصطفی ابطحی[۳]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۷

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

اندیشه سیاسی با دارابودن پیشینه‌ای سترگ در تاریخ تفکر، جایگاهی تعیین‌کننده در حیات، حکمرانی و عینیت اجتماعی سیاست بشری داشته است و متفکران سیاسی کشورها نقش مهمی در شناسایی خط‌مشی‌ها و راهبردها برای نیل به آینده مطلوب داشته‌اند. حکمرانی جمهوری اسلامی ایران با داعیه تمدن‌گرایی اسلامی و شیعی، مستثنای از این مهم نیست. از همین رو بالندگی اندیشه سیاسی منوط به برخورداری از جایگاهی تعیین‌کننده در مولفه‌های حکمرانی ج.ا.ایران است. این پژوهش تلاش دارد با بهره‌گیری از روش بینارشته‌ای آینده‌پژوهی و تکیه بر تحلیل روند، ضمن ارائه وضعیتی از اندیشه سیاسی متفکران شیعه در خصوص مؤلفه‌ی مشروعیت سیاسی، تصویری از آینده این مؤلفه در حکمرانی ج.ا.ایران را نمایان سازد تا گامی در راستای سیاست‌گذاری کلان این حوزه دانشی برداشته شود.

واژه‌های کلیدی: روند، اندیشه سیاسی، مشروعیت، حکمرانی

۱. دانشجوی دکترای اندیشه‌های سیاسی دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. armanemrouz@gmail.com

۲. استاد گروه علوم سیاسی، اندیشه سیاسی در اسلام، دانشگاه امام صادق(ع) و هیات علمی نیمه وقت گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) j.dorakhshah@yahoo.com

۳. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران . s.mostafaabtahi@gmail.com

Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

۱-۱ مقدمه

یکی از شگردهای کارآمد آینده‌پژوهی که در روند سیاست‌گذاری و حکمرانی کشورها بسیار موردتوجه و کاربرد قرار گرفته، آینده‌پژوهی از طریق تحلیل روند است. به‌طوری‌که ترسیم چشم‌انداز به‌عنوان یکی از این روش‌ها با پویش و پیمایش محیطی آغاز می‌گردد. از طرف دیگر اندیشه سیاسی جایگاهی برجسته در حکمرانی سیاسی داشته است و متفکران سیاسی در کشف نقشه راه و برنامه اقدام برای نیل به آینده مطلوب ایفای نقش داشته‌اند.

بنابراین، تصویری دقیق از وضع موجود در حوزه اندیشه سیاسی، به‌نظام سیاسی اجازه می‌دهد تا بداند برای دستیابی به وضعیت مطلوب باید چه تغییراتی ایجاد کند و افق آینده این منظومه دانشی به چه نحوی رقم بخورد.

علاوه بر این گره‌زدن این آینده به افق حکمرانی مطلوب هم از سویی زمینه را برای رشد و بالندگی اندیشه سیاسی و نقش‌آفرینی مؤثر در حکمرانی فراهم می‌آورد و هم از سویی دیگر موجب ارتقای مولفه‌های حکمرانی می‌شود. این مؤلفه‌ها عمدتاً در سه محور مبانی، الگوها و کارکرد یا اهداف حکمرانی قابل‌دسته‌بندی است.

در همین راستا مؤلفه‌ی مشروعیت سیاسی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مبانی حکمرانی در ج.ا.ایران مطرح است و تحلیل روند اندیشه سیاسی متفکران شیعه باتوجه‌به جهان‌بینی محوری این حکمرانی گام بلندی در تحقق مطلوبیت‌های فوق‌الذکر خواهد بود.

۱- ۲ مفهوم‌شناسی

۱- ۲- ۱ آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهی، پژوهیدن برای آینده‌سازی و مطالعهٔ نظام‌یافته آینده در مورد چیستی، چگونگی، مطلوبیت‌ها، بدیل‌ها، پیامدها، عوامل و پیش‌ران‌های آینده است. (منطقی ۱۳۹۰، ۵۷-۶۰ البته چند واژهٔ رایج دیگر نیز وجود دارد که به نظر می‌رسد، با معانی مشابهی در آینده‌پژوهی به کار رفته‌اند؛ اما در واقع دارای معانی متفاوتی می‌باشند. این واژه‌ها عبارت‌اند از: پیش‌نگری[1]، حدس[2]، پیش‌بینی[3] و پیش‌گویی.[4]

1. Anticipation
2. Conjecture
3. Forecasting
4. Prediction

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

آینده‌پژوهی نسبت به تحقیقات آینده‌پژوهانه متداول‌تر بوده و به طور گسترده در بحث‌های دانشگاهی مورد پذیرش واقع شده است. براین‌اساس آینده‌پژوهی دانشی است که بر دورنماها و پیش‌انگاشت‌های ویژه استوار است که با کمک آنها به تفکر نظام‌یافته صریح پیرامون آینده می‌پردازد. در این دانش، نظریه‌ها و روش‌ها و ارزش‌های وجود دارد که با شناسایی آینده‌های بدیل و تعیین آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح، آینده فراهم ساخته تا کنترل بر آن افزایش یابد. (منطقی ۱۳۹۰، ۵۸-۵۹)

قابل تأکید است میان فلسفهٔ تاریخی غربی که مبانی آینده‌پژوهی بر آن است و فلسفهٔ تاریخی مورد قبول فلاسفه‌ی اسلامی، تضاد سفت و سختی وجود علی‌الخصوص پیرامون «گشودگی تاریخ» دارد. در میان آینده‌پژوهان معاصر، اندیشمندانی تلاش کرده‌اند از الگوهای فکری غربی دور شده و به الگوهای بومی دست یابند. در این میان ضیاءالدین سردار و مهدی المنجره دو آینده‌پژوه نامدار هستند که آثار متعددی با گرایش‌های اسلامی از ایشان به انتشار رسیده است. بااین‌وجود، هیچ یک از این دو نفر نتوانستند رهیافتی کاربردی و راهگشا برای آینده‌پژوهی اسلامی ارائه کنند و تلاش‌های ایشان برای جهت‌دهی به آینده‌ی امت اسلامی، آن‌چنان‌که رقبای غربی موفق بوده‌اند، توفیق نداشته است. (پدرام و عیوضی ۱۳۹۵، ۹۱ ـ ۱۱۱)

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۱ - ۲ - ۲ تحلیل روند

تحلیل روند[1] یکی از روش‌های متداول در آینده‌پژوهی است. اندیشمندان آینده‌پژوهی در خصوص تحلیل روند و ارائه وضعیتی مشخص پیرامون منظومه‌های معرفتی - دانشی، تعاریف گوناگونی را به کار برده‌اند. نویسندگانی چون شوماخر، جیمنز، کالینز و پوراس، به‌صراحت نحوه ارزیابی وضع موجود و پیمایش محیطی را مشخص کرده‌اند. به‌زعم این نویسندگان هدف از تحلیل روند وضع موجود، صورت واقع بخشیدن به چشم‌انداز و ایجاد درکی از مرحله اول در نگاه به آینده است. درحالی‌که بعضی دیگر چون استوارت معتقدند که چشم‌انداز فارغ از تحلیل وضع موجود، برای توصیف وضع مطلوب تدوین می‌شود و بنابراین با تحلیل وضع موجود (حال) و گذشته، مغایرت دارد. (میرشاه ولایتی ۱۳۹۰، ۶۸)

در تحلیل روند، جمع‌آوری اطلاعات در خصوص رویدادها، روندها و روابط میان آنها در یک حکمرانی و اینکه کدام‌یک از این اطلاعات به چشم‌انداز مدنظر یاری می‌رساند، اهمیت دارد. بسیاری از اندیشمندان، شناسایی روند و رویدادهای تأثیرگذار را حائز اهمیت می‌دانند. در تحلیل روند می‌توان به

1. Trends

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

دنبال اهدافی همچون: شناسایی پیشران‌های اصلی یا بنیادی و پیشران‌های بالقوه اندیشه سیاسی به همراه شناسایی رویدادها و روندهای سیاسی مؤثر بر آن، تعیین فرصت‌ها و تهدیدهای بالقوه برای مطالعات سیاسی و پیش‌آگاهی به نخبگان سیاسی نسبت به این روندها و رویدادها، بود. (Andy 2006,18-21)

۱ - ۲ - ۳ اندیشه سیاسی

به گفته یلینک «هیچ علمی به‌اندازه سیاست نیازمند دانش واژه‌های دقیق نیست.» براین‌اساس گستردگی و تنوع مفاهیم اندیشه سیاسی حتی نام آن را نیز دربرگرفته است. در کنار اینها می‌بایست تعدد قرائت‌های صورت‌گرفته را نیز افزود. این مسئله به‌ویژه وقتی مفاهیم سیاسی باارزش داوری‌ها و تمایلات ایدئولوژیک - که گاه ناخودآگاه هم هستند - آمیخته می‌شود، نیز شدت می‌یابد. (حقیقت ۱۳۸۷، ۱۳۶-۱۵۰) لئواشتراوس اندیشه سیاسی را تأمل درباره آرای سیاسی یا ارائه تفسیری از آنها معرفی می‌کند. (اشتراوس، ۱۳۷۳: ۵) می‌توان گفت اندیشه سیاسی مجموعه آرای سیاسی نیست بلکه حرکت ذهنی یا علمی برای کسب و شناسایی آراء و جعل نظریه جدید پیرامون پدیده سیاسی است. (اعتمادی بزرگ و سایرین، ۱۴۰۱: ۱۷)

نفس طرح اندیشه سیاسی در ماهیت پیش‌برندگی، تحول‌آفرینی و برساختن نظام مطلوب حکمرانی است. چنانچه اسپریگنز گفته است: «وظیفه، آرزو و نوید نظریات سیاسی آن است که بشر را از کج بینی‌ها و پس از آن از چنین نظام‌های اجتماعی سرکوب‌کننده نجات دهد.» (اسپریگنز، ۱۳۷۰، ۲۹) این یک وظیفه تاریخی و عقلی عظیم موجود در اندیشه‌های سیاسی است که هربرت مارکوزه از آن به‌عنوان یک نیروی واژگون‌ساز نام می‌برد که انسان را در جهت تحقق آزادی، عدالت و حقیقت به‌پیش می‌برد. (۱۹۶۴,۱۲۲,Marcuse)

۱ - ۲ - ۴ حکمرانی

«حکم» در لغت به معنای فرمان، قاعده، مقررات، نظام، تنظیم، قانون، و امثال آن است و «راندن» به معنای اجرا، اعمال قدرت، پیش‌بردن، راهبری، اداره، هدایت و امثال آن می‌باشد. (معین، ۱۳۸۶: ۱۰۳۶) تعبیر حکمرانی که مرکب از واژه «حکم» و «ران» و به انضمام نشانه «یاء» است، نوعی معنای مصدری را افاده می‌نماید. حکم به عقیده لغت‌دانان به معنای «منع» است و «حکمران» را ازآن‌جهت «حکمران» نامیده‌اند که از «ظلم»، ممانعت می‌نماید. با این تمهید، می‌توان مدعی شد که بار معنایی عدالت در دلالت‌های لفظی واژه «حکمرانی» مستور است. (مستقیمی، ۱۳۹۵)

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال چهاردهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

در واژه‌شناسی لاتین، حکمرانی به واژه یونانی Kubernan به معنای هدایت‌کردن یا اداره‌کردن است؛ اما در فرهنگ آکسفورد مترادف با واژه حکومت Government استعمال شده است. افلاطون مفهوم Kurbernan را برای طراحی نظام حکومتی بکار می‌برد که در قرون وسطی به واژه Gubernare تبدیل می‌شود که بر حکمروایی کردن دلالت دارد. یعنی عمل و شیوه حکومت کردن یا کارویژه حکومت. (کایر، ۱۳۸۶: ۳) در متداول‌ترین استفاده، حکمرانی[1] نسبت به تعریف حکومت[2] یعنی «رویکرد قانون‌گذاری بالا - پایین که به دنبال تنظیم رفتار افراد و نهادها به شکل مشخص و کاملاً جزئی است» تلاش دارد تا «مولفه‌های دستگاه را طوری تنظیم کند که افراد و نهادها در درون آن عمل کرده و در نتیجه خود تنظیمی[3] به وجود آمده و دستگاه به نتایج موردنظر دست پیدا کند» و یا جایگزینی «اعمال قدرت بر[4]» با «واگذاری قدرت به[5]» تأکید دارد. (Tait&Lyall, 2005 : 3)[6]

تبیین مفهوم حکمرانی در منابع دینی ناظر بر مسئله ولایت و حکومت نیز آمده است. آیات قرآن در این حوزه ترسیم‌کننده خطوط کلی و راهنما برای شیوه حکمرانی در یک جامعه الهی می‌باشد و بااین‌وصف برخی تعاریف ناظر به ولایت و حکومت و یا سیاست که مبتنی بر مبانی قرآنی ارائه شده است. برخی از مؤلفین با استفاده از نوشته‌های شیخ مفید در این مورد چنین بیان داشتند که سیاست حکمرانی به‌کارگیری قدرت در جهت تدبیر امور دینی و دنیوی مردم نظارت بر ابعاد مختلف زندگی سیاسی و اجتماعی آنها و امرونهی ایشان در جهت تأمین خیر و صلاح دنیوی و اخروی آنان است. (خالقی، ۱۳۸۶: ۴۴) اضافه می‌نماید در دیدگاه قرآنی اداره جامعه و حکمرانی منحصر به حاکمان نیست؛ بلکه آحاد جامعه نیز حق و تکلیف مشارکت در آن را دارند. چه اینکه آیه شریفه «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»[7] مسلمانان را جمعیتی می‌داند که یکدیگر را به نیکی فرا می‌خوانند و امر به معروف نموده و از منکر بر حذر می‌دارند.

براین‌اساس تعریف حکمرانی در اندیشه سیاسی شیعه که ظهور و بروز آن در چارچوب حکمرانی

1. Governance
2. Government
3. Self- regulation
4. Power over
5. Power to
6. Lyall, c,i.Tait. (2005) . shifting policy debates and the implications for governance. Pp. 1-17
c. Lyall and j.Tait (eds), new modes of Governance, Developing an Integrated Approach to Science, Technology, Risk and the Environment. Aldershot, England: Ashgate publishing.
۷. سوره آل عمران آیه ۱۰۴

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

ج.ا.ایران نمایان می‌شود، با تعاریف مصطلح در واژگان سیاسی و به طور نمونه حکمرانی خوب که در دهه پایانی قرن بیستم به طور گسترده در فضای اندیشه سیاسی ترویج شد، متفاوت است. اساساً این مفهوم مطابق سازوکار جهانی و معیار دولت‌های حداقلی و لیبرال تعریف شده است.

درحالی‌که حکمرانی در نظام ج.ا.ایران در بستری کاملاً متناسب با محیط شکل‌گرفته و فاصله معناداری با الگوهای رایج جهانی دارد. اگر از منظر رویکردهای جهانی به ج.ا.ایران نگاه کنیم، به علت نقش پیشتازی دولت در گردش سازوکارهای نظام سیاسی و حضور دولت در قالب زمینه‌ها و عرصه‌ها یعنی عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، امکان بررسی و سنجش دولت وجود ندارد یا نقش کم‌رنگ بخش خصوصی نیز در این بررسی به‌مثابه چالشی جدی در نظر گرفته می‌شود. مقوله مشارکت و جامعه مدنی نیز به همین صورت برجسته خواهد شد.

۱-۲-۵ مشروعیت

مشروعیت به لحاظ لغوی در فارسی و عربی به معنای مطابقت با احکام شرع و دین است؛ اما این واژه در اندیشه سیاسی صرفاً به شرع و شریعت و دین و دین‌داران اختصاص ندارد. مشروعیت در زبان انگلیسی معادل واژه Legitimacy است که از ریشه لاتینی به معنای Law یعنی قانون مشتق شده است. مشروعیت ارتباط نزدیکی با مفهوم تعهد و التزام به فرمان‌برداری دارد. واژهٔ مشروعیت در حوزه‌های مختلفی کاربرد دارد که در صورت تفکیک‌نکردن آنها، خلط‌هایی در بحث پیش خواهد آمد.

محققان علوم سیاسی تعاریف گوناگونی برای واژه «مشروعیت» ارائه داده‌اند. اما همه آنها به توجیه عقلی اطاعت مردم از زمامدارن و اعمال قدرت زمامداران بر مردم پرداخته‌اند، چرا که همه نظام‌های سیاسی تمایل دارند مردم از اوامر آنها اطاعت نموده با کمترین چون‌وچرا تصمیمات دولت را معتبر بدانند. هرچه حمایت عموم مردم از سردمداران نظام‌های سیاسی بیشتر باشد، عمران کشورها زیادتر، و نیاز آنها برای به‌کارگیری زور و فشار جهت اجرای تصمیمات، کمتر می‌گردد.

چنین فرمان‌بری داوطلبانه و پذیرش آگاهانه مردم از تصمیمات قدرت سیاسی حاکم را در اصطلاح سیاسی «مشروعیت» یا «برحق بودن» و یا «حقانیت» می‌گویند. «مشروعیت»، همان قدرت پنهانی و ذهنی است که در جامعه وجود دارد و مردم را بدون فشار و زور، وادار به اطاعت می‌کنند. «مشروعیت» یا «حقانیت»، یکسان بودن چگونگی به‌قدرت‌رسیدن رهبران و زمامدارن جامعه با نظریه و باورهای همگان یا اکثریت جامعه در یک‌زمان و مکان معین است و نتیجه این باور، پذیرش حق فرمان‌دادن برای رهبران و وظیفه فرمان‌بردن برای اعضای جامعه یا شهروندان است. (ابوالحمد، ۱۳۶۸، ۴: ۲۴۵-۲۶۰)

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

با نگاهی به تفکر سیاسی شیعه که هم‌زمان با رحلت نبی مکرم اسلام (ص) بر سر مسئله جانشینی ایشان شکل گرفت، متوجه خواهیم شد که سنگ بنای زیرین این اندیشه در پاسخ به این دو سؤال حیاتی و کلیدی بنا نهاده شد که اولاً حق حاکمیت بر جامعه پس از پیغمبر منتسب از سوی حضرت حق‌تعالی با کیست؟ و ثانیاً مبنای مشروعیت حاکم و حکومت چیست؟ به بیانی در اندیشه سیاسی شیعه مفهوم مشروعیت با حق اعمال حاکمیت در هم تنیده است.

نظریه‌های مشروعیت در شیعه را در یک تقسیم ابتدایی به دو دوره حضور و غیبت می‌توان تقسیم کرد. در دوره حضور هر چند برخی از علمای معاصر همچون مرحوم مهدی حائری یزدی در نظری نادر به مشروعیت مردمی نیز توجه نمودند، اکثر قریب به اتفاق علمای شیعه مشروعیت سیاسی پیامبر (ص) و ائمه (ع) را صرفاً بر نصب الهی مبتنی کرده‌اند. براین‌اساس از منظر شیعه در زمان حضور امام معصوم (ع)، حکومت دیگران مشروعیت نخواهد داشت و اصولاً باتوجه‌به اندیشه امامت می‌توان به این قول تکیه کرد که مشروعیت به معنای تام به معنایی که وفاداری مطلق اتباع را اقتضا کند فقط در عصر حضور شکل می‌گیرد. اما چنین اجماعی در عصر غیبت وجود ندارد و نظریه‌های متنوع و اختلافات بسیار در این حوزه به چشم می‌خورد. (حسینی‌زاده ۱۳۹۵، ۹۶)

به طور کلی فقها در قالب سه گفتمان فقهی به این مسئله نگاه کرده‌اند: ۱. مشروعیت‌بخشی به‌نظام اسلامی ناشی از شرع است و مردم در این زمینه دخالت ندارند. (نظریه انتصاب) ۲. مردم مسلمان بنا بر خرد جمعی، نظام اسلامی را آزادانه بر سرنوشت خویش حاکم می‌کنند. (نظریه انتخاب یا توکیل) ۳. با تفکیک مشروعیت و مقبولیت، زمانی که بین قوانین شرع و رای مردم، اتفاق و هماهنگی ایجاد شود، نظام اسلامی تحقق عینی می‌یابد. اندیشه سیاسی شیعه متناسب با دوره حضور امام معصوم (ع) معنای حقانیت را از مشروعیت برداشت می‌کند. اما در دوره غیبت و مطرح شدن سایر الگوهای حکمرانی، معنای مشروعیت با مقبولیت و قانونیت خلط شده است. از همین‌رو سه‌گانه «انتصاب»، «انتخاب» و «ترکیب انتصاب و انتخاب» در خصوص حق اعمال حاکمیت در دوره غیبت مطرح شده است.

۱- ۳ روش شناسی

این نوشتار باتوجه به تأکید بر بهره‌گیری از دانش‌های بینارشته‌ای، بر ترکیبی از الگوی آینده‌پژوهانه مارتالیزلی[1] و ادوارد لیندامن[2] تأکید دارد. این چارچوب روشی در دو بخش منقّح شده است: ۱.احصای

1. Martha Lasley
2. Edward Lindaman

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

روندها: ایشان روندها را تغییرات منظم در داده می‌دانند که از گذشته شروع می‌شود و تا حال ادامه می‌یابد.[1] ۲. آینده‌سازی: پس از پیمایش محیطی (شناخت روندها و آگاهی از امکانات وضع موجود) با تصویر کشیدن آینده، هویتی ساخته می‌شود که در احساس شهروندان رسوخ نماید. این آینده تصویر شده[2] از دو مؤلفه «اهداف پرمخاطره» و «توصیف شفاف» تشکیل می‌شود. کالینز و پوراس این نوع اهداف را به‌اختصار بی‌هگ[3] (هدف بزرگ سخت متهورّانه) نامیده‌اند. (لیندگرن، باندهولد ۱۳۸۶، ۹۱). این اهداف، علاوه بر تعیین سمت‌وسوی بلندمدت (۱۰ تا ۳۰ ساله) نشان می‌دهند که نظام سیاسی جهت تحقق اندیشه سیاسی کارآمد، در صدد چه اقداماتی است و دومین مؤلفه آینده تصویر شده، توصیف شفاف از جایی است که نظام سیاسی با اهداف متهورانه، به آن خواهد رسید.

۱- ۴ طیف بندی اندیشه سیاسی متفکران شیعه

شناخت و تحلیل روند اندیشه‌های سیاسی متفکران، راه‌های گوناگونی دارد که دسته‌بندی یکی از رایج‌ترین آنهاست. سیدحسین نصر در کتاب «اسلام سنتی در دنیای متجدد» چهار دسته کلی تجددگرایی، موعود گرایی، بنیادگرایی و سنت‌گرایی یا اسلام سنتی را برای اندیشه‌ها و جریان‌های سیاسی‌اجتماعی جهان اسلام پیشنهاد می‌کند. (نصر ۱۳۸۶، ۴۸۲) مصطفی ملکیان سه قرائت اصلی اندیشه‌های اسلام‌گرا را در سه جریان اسلام بنیادگرا، اسلام تجددگرا و اسلام سنت‌گرا جای می‌دهد. (ملکیان ۱۳۷۸، ۱۰-۱۳) محمدتقی سبحانی اندیشه‌های سیاسی‌اجتماعی اسلامی در ایران معاصر را به سه دسته اصلی «شریعت‌گرایی اسلامی»، «تجددگرایی اسلامی» و «تمدن‌گرایی اسلامی» تقسیم می‌کند. (سبحانی ۱۳۸۱، ۲۲۰-۲۸۰) حسن بشارتی‌راد از سه جریان اصلی اندیشه‌ای در جهان اسلام بحث کرده است که ایران را نیز در بر می‌گیرند که یکی از دسته‌بندی‌ها مشتمل بر جریان‌های سنت‌گرا (در مقابل مدرنیته)، ظاهرگرا - سلفی، باطن‌گرا (تصوف) و تمدن‌گرا می‌باشد. (بشارتی راد ۱۳۹۴، ۵۲)

یکی از کانون‌های اصلی اندیشه سیاسی شیعی در نیم قرن اخیر پیرامون فقه حکومتی شکل‌گرفته است. این موضوع پس از طرح شدن نظریه ولایت‌فقیه توسط امام خمینی (ره) و متعاقب آن تشکیل جمهوری اسلامی بسیار موردتوجه و بررسی قرار گرفته است. دو گرایش عمده درون دینی در این زمینه را

۱. به تعبیر جیمز دیتور، آینده حاصل کنش ٤ عامل مهم است؛ ٤ عاملی که با تأثیر بر یکدیگر، در نهایت آینده و چشم انداز مطالعات سیاسی ساخته می‌شود. این ٤ عامل عبارتند از : ۱.روندها، ۲.رویدادها، ۳.تصویرها و ٤.اقدامات.
ر.ک: اسلاتر، ریچارد و همکاران، نو اندیشی برای هزاره نوین، تهران، مرکز آینده پژوهی علوم و فن آوری های دفاعی، ۱۳۸۷

2. enivisioned Future

3. “BHAG”: Big Hairy Audacious Goal

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

می‌توان به معتقدان اسلام حکومتی و اسلام فقاهتی بدون حکومت تقسیم کرد. هر یک از این‌ها می‌تواند به گونه‌ای دقیق‌تر یا ترکیبی، تقسیم‌بندی شود؛ مانند فقه‌گرای نوگرا و سنتی، فقه‌گرای اجتهادی و نص‌گرا. (علیخانی ۱۳۹۹، ۱۲۵) حقیقت معیارهای طبقه‌بندی ارتباط دین و سیاست را از معیارهای طبقه‌بندی رابطه نهاد دین و دولت جدا و بیان کرده است. (حقیقت۱۳۸۳، ۳۰-۵)

همانطور که مشاهده می‌شود ما با طیف‌های متنوعی از متفکران سیاسی شیعه و نظریه‌های گوناگون اندیشه سیاسی مواجه هستیم که پرداختن بدان از ظرف این پژوهش خارج است. از همین رو برای تحدید و تدقیق پژوهش، تأکید بر طیف‌هایی حائز اهمیت هستند که پیرامون ارزش اساسی دین اسلام به بیان عام و مذهب شیعه به بیان خاص و نسبت آن با اندیشه سیاسی و جایگاه تأثیرگذاری آن در حکمرانی ج.ا.ایران شکل گرفته‌اند.

بنابراین، اولاً طیف‌بندی مبتنی بر شاخص دین اسلام و مذهب شیعه و نسبت آن با اندیشه سیاسی انجام می‌پذیرد و احصای آن از زاویه نسبت اندیشه سیاسی و دین و مولفه‌های اساسی در حکمرانی صورت می‌پذیرد. همچنین طیف‌بندی اندیشه سیاسی پیرامون بررسی آرای چهره‌های برجسته و جریان‌ساز هر روند که متفکران شیعه ذیل آن را در بر می‌گیرد، انجام می‌گیرد. ثانیاً این پیمایش محیطی در محدوده‌ی ایجاد و تداوم حکمرانی ج.ا.ایران لحاظ می‌شود و در این محدوده زمانی، اندیشه‌های سیاسی مورد بحث قرار می‌گیرد. براین‌اساس هرچند احصای طیف‌بندی اندیشه سیاسی شیعه با دشواری همراه است؛ اما سه طیف زیر در خصوص اندیشه سیاسی شیعه در دوره حکمرانی ج.ا.ایران قابل احصاء است:

۱. طیف اتحاد، اندماج و پیوستگی اندیشه سیاسی با دین اسلام که با اختصار از آن با عنوان طیف اتحاد اندیشه سیاسی با اسلام نام برده می‌شود. این طیف ذیل روند همگرای اندیشه سیاسی مطلوب در چارچوب حکمرانی ج.ا.ایران قرار گرفته و دامنه نقش‌آفرینی دین در سیاست در آن از نقش‌آفرینی حداقلی تا ایفای نقش حداکثری قابل تعریف است.

۲. طیف انفکاک، استقلال و گسستگی اندیشه سیاسی با دین اسلام که با اختصار از آن با عنوان طیف انفکاک اندیشه سیاسی با اسلام نام برده می‌شود. این طیف ذیل روند واگرای مطالعات سیاسی مطلوب در چارچوب حکمرانی ج.ا.ایران قرار گرفته و اساساً به قائل به ایفای نقش دین در سیاست نمی‌باشد.

۳. طیف تعامل و تعاضد اندیشه سیاسی با دین اسلام که با اختصار از آن با عنوان طیف تعامل اندیشه سیاسی با اسلام نام برده می‌شود. این طیف ذیل روند واگرای مطالعات سیاسی مطلوب در چارچوب حکمرانی ج.ا.ایران قرار گرفته و قائل به دو ساحت مستقل برای دین و سیاست است؛ اما در الگو، شیوه و

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

کارکردهای حکمرانی قائل به نوعی تعامل ما بین این دو ساحت مستقل از هم است.

هر کدام از این طیف‌بندی‌ها را می‌توان با شاخص میزان ارتباط و پیوستگی اندیشه سیاسی با دین اسلام و مذهب شیعه و الگوی حکومتی مدنظر دسته‌بندی کرد. در این زمینه متناسب با روش به کار گرفته شده، جهان‌بینی محوری حکمرانی ج.ا.ایران در گزینش این طیف‌ها برای تحلیل روند مؤثر است که در این خصوص در نوشتاری دیگری به طور مفصل پرداخته شده است.

بنابراین، متفکران شیعه در قامت دوره حکمرانی ج.ا.ایران، افراد قابل ملاحظه‌ای را در بر می‌گیرند که از میان ایشان و قائلین به طیف اتحاد اندیشه سیاسی با اسلام مطابق با چارچوب روش شناختی برای درک جایگاه اثرگذاری ایشان بر حکمرانی ج.ا.ایران پنج نفر انتخاب می‌شوند که عبارت‌اند از: حضرات آیات عظام امام خمینی (ره)، سید علی حسینی خامنه‌ای، محمدتقی مصباح یزدی و شهیدان مرتضی مطهری و سیدمحمد بهشتی.

۱- ۵ تحلیل روند اندیشه سیاسی متفکران شیعه پیرامون مشروعیت

در این بخش به ترتیب تحلیل روند اندیشه سیاسی پنج متفکر برگزیده پیرامون مؤلفه‌ی مشروعیت مطرح می‌-شود. از منظر امام خمینی (ره) منشأ مشروعیت حکمرانی تنها خداوند متعال است و آنچه اعمال قدرت سیاسی را توجیه و الزام‌آور می‌کند، توحید ذات اقدس اله است. حضرت امام، اعتبار حکومت اسلامی را به رعایت شرع مقدس یعنی قانون الهی و معطوف به منابع معرفتی دینی و وحیانی که از منابع شیعه یعنی قرآن، سنت، عقل و اجماع به دست آمده است، می‌داند. ایشان در همین ارتباط خطاب به نمایندگان مجلس خبرگان قانون اساسی می‌فرمایند: «همه شما هم اگر چنانچه یک چیزی بگویید که برخلاف مصالح اسلام باشد، وکیل نیستید، از شما قبول نیست، ما به دیوار می‌زنیم حرفی را که بر خلاف مصالح اسلام باشد.» (صحیفه امام ۱۳۷۸، ۹: ۳۰۱ - ۳۰۴)

امام خمینی (ره) حاکمیت و حکومت را حق الهی می‌داند و مشروعیت قدرت سیاسی و اطاعت سیاسی را تنها در انحصار ولایت تشریعی خداوند معرفی می‌کند. برخی از نظرات حضرت امام (ره) نمایانگر است که ایشان قائل به نظریه نصب الهی یا انتصاب فقیه از ناحیه شارع به طور عام می‌باشند؛ ایشان در کتاب البیع می‌فرمایند: «هرکس بدون نصب از جانب شارع حکومت کند، طاغوت است و اطاعت از او جایز نیست.» (امام خمینی ۱۳۷۹، ۱: ۴۷۲-۴۹۵) اما در خصوص انتصاب خاص یعنی مصداق بارز ولایت فقیهی که باید در رأس حکومت اسلامی قرار بگیرد، حضرت امام به هر دو وجه

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

انتصاب از جانب شارع و انتخاب مردم توجه دارد. البته فقیهی که از جانب شارع، ولایت یافته به‌عنوان این مشروعیت، نمی‌تواند مستقیماً رئیس حکومت هم باشد و باید شرایطی را از جمله بینش صحیح و قدرت تصمیم‌گیری داشته باشد. (صحیفه امام ۱۳۷۸، ۲۱: ۱۷۷ تا ۱۷۸)

یکی از نقاط برجسته اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) اهتمام ایشان به رعایت مصلحت است به نحوی‌که اهتمام به این اندیشه و ضرورت شناسایی مصلحت نظام موجب نهادسازی در ج.ا.ایران شده است. از منظر امام خمینی (ره) هرچند نظام جمهوری‌اسلامی در برابر قانون اساسی مسئول و ملزم است، اما اگر جایی مسئله حفظ نظام مطرح باشد، سازوکار مصلحت به میان آمده و تصمیمات متخذه، مقید به قانون اساسی هم نیست. چالش‌های این وجه از اندیشه سیاسی در سبک حکمرانی طی استفساریه مهم جمعی از نمایندگان مجلس در خصوص اشکال پیش‌آمده درباره مجمع تشخیص مصلحت نظام که به امور قانون‌گذاری به طور رسمی پرداخته بود، کاملاً نمایان است که تأیید حضرت امام (ره) را نیز به دنبال داشته است. (صحیفه امام ۱۳۷۸، ۲۱: ۲۰۳)

امام خمینی (ره) به معنای حقیقی کلمه به نقش یگانه مردم در ایجاد و استمرار حکومت معتقد بود. از همین رو اولاً حکمرانی ج.ا.ایران را با قید قانون اسلام تخصیص می‌زنند و ثانیاً این حکمرانی را منوط به اراده و خواست مردم معرفی می‌دارند. (صحیفه امام ۱۳۷۸، ۵؛ ۲۱۳) البته منشأ قانون‌گذاری در هر حال شارع مقدّس دانسته شده است: «شارع مقدس اسلام یگانه قدرت مقننه است.» (امام خمینی ۱۳۷۶، ۴۴) این اندیشه در حکمرانی ج.ا.ایران به دلیل اهمیت آن، نهادسازی دیگری را به دنبال داشته است؛ تشکیل شورای نگهبان قانون اساسی برای تأمین این اصل است.

به موازات شکل‌گیری انقلاب‌اسلامی و پایه‌ریزی جمهوری‌اسلامی، ادبیات حضرت امام وجوه واضح‌تری را در خود نشان می‌دهند. در همین راستا ولایت شرعی موید و ضامن اصلی حکمرانی و خواست و اراده مردم پشتیبان این ولایت دانسته شده است: «ما دولت را تعیین کردیم هم به حسب قانون ما حق داریم و هم به حسب شرع حق داریم. ما به حسب ولایت شرعی که داریم و به حسب آرای ملت که ما را قبول کرده است.» (صحیفه امام ۱۳۷۸، ۶: ۶۸ تا ۶۹) حضرت امام به رای و نظر مردم بسیار توجه و تأکید دارد و تبعیت از آن را در چارچوب شرع، ضروری می‌داند. (صحیفه امام ۱۳۷۸، ۱۱: ۳۴)

ایشان در یکی از نامه‌های معروفش که حدود یک ماه قبل از رحلت‌شان به نگارش درآمد، نفوذ حکم حاکم را در چارچوب خبرگان رهبری مبتنی بر انتخاب مردم دانسته است. (صحیفه امام ۱۳۷۸، ۲۱: ۳۷۱) منبع مشروعیت حکومت اسلامی از نظر امام خمینی (ره)، نه شخصی و نه کاریزماتیک بلکه

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

منحصراً امری الهی است و حتی مردمی و حق‌الناس نیست؛ بلکه منشأ حاکمیت صرفاً خداوند سبحان می‌باشد و به جز او هیچ کس حق حکومت ندارد. علاوه بر این انتخاب مردم در تعیین و ثبوت و تحلیل مقام زعامت فقیه واجد نقش اثباتی نیست؛ بلکه نقش تثبیتی دارد و در منشا حاکمیت و اعمال آن با فقیه شریک نمی‌باشد. (خسروپناه، ۱۳۹۶، ۵۹۴ -۵۹۵)

استاد فرزانه شهید مطهری هر چند به دلیل شهادت زود هنگامش در طلیعه پیروزی انقلاب اسلامی موفق به تبیین و تنقیح اندیشه سیاسی خود نشد؛ لذا مباحث اندیشه سیاسی ایشان حجمی اندک از میراث فکری و ذخیره علمی این اندیشمند فرزانه را به خود اختصاص داده است. از نظر ایشان، برگزیدن پیامبر اسلام (ص) به ولایت و رهبری سیاسی مسلمانان از سوی خداوند است و می‌توان از آن به‌عنوان مشروعیت الوهی تعبیر کرد. (مطهری ۱۳۷۷، ۳: ۲۸۷)

شهید مطهری، مشروعیت الهی ولایت‌فقیه به نحو انتصاب کلی را مسلم می‌داند و از مباحث ایشان مشروعیت علم فقیه در مقام ولایتی که به او رسیده است، برداشت می‌شود. (مطهری ۱۳۷۴، ۱۵۳-۱۵۴) هرچند شواهدی نیز به خصوص پیرامون تحقیقات ناتمام ایشان دال بر این وجود دارد که برخی را بر آن داشته که نظریه انتصاب را نمی‌توان به ضرس قاطع از چارچوب اندیشه استاد مطهری حاصل آورد. مطالبی که برای اثبات این مدعا به آنها ارجاع داده می‌شود، اعتقاد شهید مطهری به موقتی بودن حکومت و محفوظ دانستن حق مردم در انتخاب حاکم است. (مطهری ۱۳۷۴، ۶۳) مطابق با نظریه مشروعیت الهی - مردمی، نقش مردم در اداره کشور، حیاتی و اساسی است. (مطهری ۱۳۶۱، ۱۶۶)

علاوه بر این شهید مطهری در تفسیر جمهوری می‌گوید: «جمهوری شکل حکومتی است که حکومت عامه مردم است؛ یعنی حکومتی که در آن حق انتخاب با همه مردم است.» (مطهری ۱۳۷۴، ۸۰) ایشان، حکومت و حاکم و ولی‌فقیه را منتخب مردم می‌داند و آن را مطابق قواعد دموکراسی معرفی می‌کند. (مطهری ۱۳۷۴، ۸۶) البته استفاده از واژه انتصابی در این گفتار به قرینه به کار رفته نشان از آن دارد که مضمون مربوط به شیوه نصب پی در پی فقها دارد. مضامین فکری شهید مطهری، رأی ایشان را در ماهیت الهی و مردمی حکومت و رأس آن یعنی ولی‌فقیه محکم‌تر می‌سازد. (مطهری ۱۳۷۴، ۸۵-۸۶)

گفتنی است کسانی که شهید مطهری را جزو معتقدین به ولایت انتخابی مقیده فقیه می‌دانند به نظر می‌رسد که از عبارت رئیس حکومت می‌خواهند همان ولایت‌فقیه را استنباط کنند، در حالی که باتوجه‌به قرائن مختلف نمی‌توان این تفسیر را پذیرفت؛ زیرا اولاً به‌کارگیری آن عبارت در مقام تفسیر جمهوری به‌عنوان شکلی از حکومت مردم است؛ در حالی که نقش ولی‌فقیه، نقش شکلی و ساختاری نیست. بلکه

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

نقش محتوایی و ماهوی است. شهید مطهری معتقد است منظور از ولایت‌فقیه آن نیست که فقیه خود در رأس حکومت قرار گیرد و عملاً حکومت کند. ایشان شأن ولی‌فقیه را حکومت نمی‌داند. در نتیجه وقتی ولی‌فقیه نخواهد عملاً در حکومت نقش ایفا کند و امور اجرایی را به دست گیرد، رئیس حکومت که در عمل حکومت می‌کند کسی جز رئیس‌جمهور نخواهد بود. بنابراین؛ با این جمله که عامه مردم، رئیس حکومت را برای مدت موقّت انتخاب می‌کنند ناظر به نظریه خود در باب ولایت‌فقیه نیست که بگوییم آیا این ولایت به انتخاب است یا انتصاب و یا اینکه بگوییم مقید است یا مطلقه. از نگاه شهید مطهری، انتخاب مردم پیرامون شخصی به‌عنوان ولی‌فقیه همچون انتخاب آنان در مورد مرجع تقلید است. به بیانی دیگر انتخاب مردم، موجب مشروعیت یافتن اجتهاد فقیه نمی‌شود. (جعفرپیشه ۱۳۸۳، ۹۳-۹۸)

آیت‌الله بهشتی معتقد است که بر طبق مبانی اسلام، مشروعیت حکومت اسلامی و حاکم اسلامی در عصر غیبت از آرای مردمی، حاصل می‌گردد؛ به گونه‌ای که فقیه با وجود دارا بودن جامع شرایط ولایت، نمی‌تواند خود را بر مردم تحمیل کند؛ زیرا تحمیل و زورمداری در اسلام مورد مذمت است و برخلاف منطق قرآن و اندیشه شیعی می‌باشد. چنانچه رهبران و مراجع تقلید شیعه نیز هرگز خود را بر مردم تحمیل نکردند. (حسینی بهشتی ۱۳۹۰، ۷۴-۷۶) آیت الله بهشتی در نگارش اصل پنجم قانون اساسی بر این اندیشه تأکید کرد که با هدایت او به‌عنوان یکی از مبانی قانون اساسی درآمد. (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی ج.ا.ایران، ۱:۳۹۳) علت نقش مبنایی مردم در کنار شرایط مذکور این است که اسلام برای مردم و به عبارتی «ناس»، ارزش و اعتبار قائل است و هدف اصلی‌اش نیز خدمت به انسان‌هاست. (حسینی بهشتی ۱۳۹۰، ۱۰-۳۹)

آیت‌الله بهشتی، مشروط بودن مشروعیت رهبری در عصر غیبت را در اصول دیگر قانون اساسی نیز جاری و بیان می‌دارد که طبق قانون اساسی ج.ا.ایران هیچ حکومتی بدون دخالت تام رأی مردم محقق نمی‌گردد. (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی ج.ا.ایران، ۲:۴۵) دیگر علت این امر، غیر تحمیلی بودن امامت امامانِ معصوم منصوب منصوص و به طریق اولی، امامت ولی‌فقیه در عصر غیبت است. (حسینی بهشتی ۱۳۹۰، ۳۹) آیت‌الله بهشتی مبنای مشروعیت ولایت‌فقیه در عصر غیبت را رضایت و پذیرش مردم در کنار تحقق جامع شرایط مذکور در شرع مقدس اسلام می‌داند به گونه‌ای که هیچ کدام به تنهایی منجر به تحقق مشروعیت نمی‌گردد. (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی ج.ا.ایران، ۱:۴۱۷)

شهید بهشتی بعد از بررسی دیدگاه اسلام در خصوص رهبری و تصریح به دو گونه رهبری انتصابی و

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

رهبری انتخابی بیان می‌دارد که انتخاب زمامدار مسلمین در عهد غیبت امام معصومین جزو گونه رهبری انتخابی است: «زمام‌داران دارندگان عهد خدا نیستند. این‌ها دارندگان عهد ما هستند. بین ما و آنها یک نوع رابطه از طریق خود ما برقرار شده است.» (حسینی بهشتی ۱۳۹۰، ۱۶۷) بنابراین شهید بهشتی عمده بحث خود را بر وجه انتخابی ولی‌فقیه در حالت شکل‌گیری حکمرانی متمرکز کرده‌اند لذا از نظرات ایشان رویکرد انتخابی بیشتر درک می‌شود.

آیت‌الله مصباح معتقدند نباید مشروعیت را با مشروع، متشرعه و متشرعین که از شرع به معنای دین گرفته شده است، همسان گرفت. (مصباح یزدی ۸۰، ۱؛ ۱۰) آیت‌الله مصباح منشأ مشروعیت حکومت را نصب الهی دانسته و در عین حال بر نقش منحصر به فرد مردم در عینیت بخشیدن به حکومت فقیه تأکید می‌ورزد. آیت‌الله مصباح با نفی نظریه مشروعیت تلفیقی حکومت فقها با منشأ مشروعیت حکومت نیز نقش مردم در این باره می‌گوید در زمان غیبت، مشروعیت حکومت از سوی خداست و نقش مردم در عینیت بخشیدن به حکومت است نه مشروعیت بخشیدن به آن. (مصباح یزدی ۱۳۷۷، ۴۹ -۵۱) آیت‌الله مصباح در مقام تبیین نقش مردم در تشکیل حکومت اسلامی می‌گوید: «ولی‌فقیه مشروعیت خود را به‌واسطه از خداوند می‌گیرد و مردم تنها در تحقق و فعلیت‌بخشیدن به حکومت نقش دارند. نظریهٔ انتصاب، نظریهٔ مشهور در میان فقیهان شیعه و مورد تأیید ماست.» (مصباح یزدی ۱۳۹۴، ۳۳۵)

از منظر آیت‌الله مصباح، مشروعیت مبین حق حاکمیت و لزوم اطاعت مردم از حاکم است. به اعتقاد ایشان میان حق حاکمیت و تکلیف مردم در اطاعت تلازم برقرار است. یعنی وقتی کسی حق داشت، دیگران تکلیف دارند آن حق را رعایت کنند. سپس نتیجه می‌گیرند که می‌توان گفت مشروعیت یعنی حقانیت. (علیخانی و سایرین ۱۳۹۰، ۴۰۰) تحلیل مسئله مشروعیت بر پایه انتصاب الهی و گزینش حاکم برای مجلس خبرگان بر اساس کشف، یکی از ابتکارات آیت‌الله مصباح در فلسفه سیاسی اسلام به شمار می‌رود. ایشان در تحلیل تمایز اساسی میان مقبولیت و مشروعیت با تأکید بر مبنای اعتقادی مشروعیت ولایت‌فقیه را ادامه ولایت معصومان دانسته‌اند و معتقدند مقبولیت فقط به حکومت دینی عینیت می‌بخشد؛ زیرا حاکم دینی حق ندارد حاکمیت خویش را تحمیل کند و بنابراین مشروعیت منوط به مقبولیت آن نیست. (مصباح یزدی ۱۳۸۲، ۲۳) گفتنی است ایشان مشروعیت تلفیقی را نیز نقد می‌کنند؛ مشروعیت تلفیقی بدان معناست که مشروعیت حکومت و ولایت هم به نصب الهی و هم به رای مردم است به تعبیر دیگر رای مردم همراه با نصب الهی، دو جز تعیین‌کننده برای مشروعیت حکومت است. (مصباح یزدی ۱۳۸۲، ۱۹)

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

در فلسفه سیاسی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مفهوم مشروعیت فراتر از مفهوم رایج مشروعیت در علوم سیاسی و همچنین فراتر از مفهوم مقبولیت است. مشروعیت از بار اعتقادی برخوردار بوده و به معنا و مفهوم گسترده‌تر و عمیق‌تری می‌باشد که آن انطباق با نظام تشریع الهی و هماهنگی عمل و نظر با قرآن و سنت است. بر همین اساس است که حق انتخاب حکومت در چارچوب ارزش‌های دینی و الهی پذیرفته شده است. از طرف دیگر حضور مردم یک شرط برای حقانیت و مشروعیت زمامداری دانسته شده است. در فلسفه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، مردم‌سالاری دینی امر مرکبی از مردم‌سالاری و دین نیست؛ بلکه امر واحد درون دینی است؛ مشروعیت این نظام هم امر واحد و بسیطی است که از آموزه‌های دینی ناشی می‌شود. در این نظریه بر این اصل تأکید شده که حق حاکمیت و حکومت در مرحله نخست از آن آفریدگار متعال است و حق فرمانروایی و حاکمیت اجتماعی از سوی خداوند به افراد برگزیده‌اش یعنی پیامبر (ص) و امام (ع) و توسط آنان به وارثان راستین رسالت و امامت یعنی عالمان و فقیهان واجد شرایط رهبری واگذار شده است. حال چه به صورت نصب خاص و تعیین مصداق که مخصوص زمان حضور معصوم (ع) است و چه به صورت نصب عام و بدون تعیین مصداق که مربوط به عصر غیبت است. (خسروپناه و سایرین ۱۳۹۸، ۷۹۲)

ایشان مشروعیت ولایت‌فقیه را بر اساس مردم‌سالاری دینی مبتنی بر سه عنصر صلاحیت دینی، پذیرش مردمی و کارآمدی می‌دانند. در میان این سه عنصر، ایشان بر پذیرش و مقبولیت مردم در به‌قدرت‌رسیدن ولی‌فقیه، تأکید بسیار دارند. همچنین مردم باید توسط حکومت به صورت مداوم آگاه‌سازی شوند. (اشرفی و علیزاده ۱۳۹۵، ۴۸) مضمون آگاهی بخشی با عنوان بصیرت به‌عنوان یکی از وظایف اصلی حکمرانی در قبال مردم تا حدی در نگاه ایشان اهمیت دارد که ابزارهای مرسوم برای مراجعه به آرای عمومی نیز متوقف به انجام درست این وظیفه است. در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مشروعیت هنجاری با مشروعیت جامعه‌شناختی و توصیفی جمع شده است؛ یعنی یک امر واقعی و یک اعتبار اجتماعی در موضوع واحد محقق شده‌اند. به اعتقاد ایشان مشروعیت واقعی مقوله‌ای نظری و انتزاعی است که هر حکومتی می‌تواند آن را دارا باشد یا نباشد برای مردم و رضایت آنان یا قرارداد منعقد شده توسط آنان دخالتی در تحقق نفس‌الامری این امر واقعی و یا عدم تحقق آن ندارد.[1]

در پایان تأکید داریم که نظرات آیت‌الله خامنه‌ای و حضرت امام خمینی (ره) در زمینه‌ی مشروعیت تفاوتی ظریف با سایر متفکران دارد. از این منظر که ایشان باتوجه‌به تجربه ریاست حکمرانی کشور در

۱. ۱۳۸۲/۰۹/۲۶

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

ردای ولی‌فقیه به نقش و جایگاه مردم در قوام حکمرانی توجه کرده‌اند. علاوه بر این مضمون رشد و تعالی مردم در سایه حکومت اسلامی است که معتقد به استحکام پایه‌های حکمرانی برآمده از اراده الهی متبلور در مردم است. ایمان و اعتقاد مردم که در رای و نظر آنها نمود می‌یابد. براین‌اساس اتکای حکمرانی به خواست مردم صرفاً یک رای انداخته شده در صندوق نیست؛ بلکه یک رابطه دوطرفه در حرکت توحیدی امت به سوی مبدا جهان است.

۱- ۶ آینده متصور اندیشه سیاسی متفکران شیعه پیرامون مشروعیت

از آنجائیکه در میان عمده‌ی اندیشمندان سیاسی شیعه در تعریف مفهوم مشروعیت مبنی بر «حقانیت اعمال حکومت با انتصاب به شارع مقدّس» اتفاق‌نظر و در خصوص منشأ حقانیت برآمده از خواست الهی و خواست مردم اختلاف‌نظرهایی وجود دارد، چالش‌های حکمرانی در خصوص حق و تکلیف شرعی و عرفی و توازن میان آنها ادامه خواهد داشت؛ بخشی از وجوه این چالش‌ها به حوزه اختیار و دخالت حکمرانی در عرصه‌های عمومی و مقبولیت اقداماتی مربوط می‌شود که زیست مردم را دچار تغییر و تحول خواهد کرد. یکی از ابعاد این چالش، نهادینه نشدن حق و تکلیفی است که تضمین‌کننده اصل پاسخگویی و مسئولیت-پذیری در حکمرانی است و تمامی عناصر ارشد و نهادهای حکمرانی را به طور مستقیم و غیرمستقیم در برابر مردم پاسخگو می‌کند.

از آنجائیکه تبیین مشروعیت در اندیشه سیاسی شیعه بیشتر پیرامون حقانیت حکمرانی تداوم یافته، قانونیت، مقبولیت و کارآمدی به‌عنوان جنبه‌های دیگر مشروعیت - که در تأسیس و استقرار و حفظ و تداوم حکمرانی مؤثر هستند - مورد غفلت قرار خواهد گرفت. این در حالی است که کارآمدی هر نظام تابع انسجام و منطقی قوی از اندیشه ایست که آن نظام را ایجاد کرده است. تا هنگامی که عناصر مختلف سیاسی، اقتصادی و به خصوص فرهنگی جامعه ای از انسجام و منطق درونی برخوردار نباشد نمی‌توان مجموعه آن جامعه را در مسیر پیشرفت یا توسعه یافتگی سوق داد.(موسوی شربیانی و دیگران ۱۴۰۲، ۵۸)

به بیان دیگر طی دهه پیش‌رو آنچنان که پیرامون حقانیت حکمرانی از حیث انتصاب حاکم و حکومت به شرع، اندیشه‌پردازی خواهد شد، در مورد قانونیت، مقبولیت و کارآمدی - که از قضا در اسناد بالادستی حکمرانی نیز این مضامین مشحون است - نظریه‌پردازی نخواهد شد. همین وضعیت به عقب‌ماندگی اندیشه سیاسی شیعه از تقدیرات مردم‌سالارانه حکمرانی دامن خواهد زد. این در حالی‌است که توجه به مردم‌سالاری انسان‌محور غیربومی از جانب روندهای واگرا برای تخطئه اصل مشروعیت در حکمرانی

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

ج.ا.ایران دنبال می‌شود و کار را برای سربرآوردن و رشد تفکرات بومی دشوارتر می‌نماید.

نهادسازی‌های حاکمیتی و اصول نظری و عملی حکمرانی که برآمده از انتصاب به شارع مقدس و دین مبین اسلام باشند، تقویت می‌شوند؛ اولین مصداق در این مورد تأکید بیشتر بر اسلامیت و وجه اسلام‌مدارانه نهاد مردم‌سالاری دینی متبلور در جمهوری‌اسلامی است. از مردم‌سالاری دینی به‌عنوان امر واحد درون دینی تفسیر مشخص و کاربردی ارائه نمی‌شود تا بتوان چالش‌های حکمرانی را در این خصوص مرتفع ساخت. با این وجود مردم‌سالاری دینی با توجه مولفه‌های مستتر در اسلام تمدن‌گرا به سمت جهان شمولی بیشتر حرکت خواهد کرد و کنش‌های برآمده از اسلامیت در جمهوری‌اسلامی نمود برجسته‌تری خواهد یافت. امری که برونداد آن به تشکیل حرکت به سمت تشکیل امت اسلامی تعبیر می‌شود.

در همین راستا اصول برآمده از اسلام در حکمرانی ج.ا.ایران همچون اصل نفی سلطه شرق و غرب و یاری مظلومان جهان و مبارزه با زورگویان به طور مجدانه‌ای پیگیری خواهد شد. گفتنی است کثرت تعارض‌آمیز، ذات و جوهره‌ی جوامع بشری نیست، هرچند همین تعارض‌ها در سراسر تاریخ مشاهده می‌شود. ظهور ادیان الهی علی‌رغم منازعاتی که برای گسترش حوزه نفوذ سیاسی و اجتماعی آنها پدیدار شد، مدنیت همسانی را نیز پدید آورده است و اسلام به‌عنوان خاتم ادیان از امر مستثنا نیست. بنابراین؛ زمینه بر جهانی‌شدن این حکمرانی اسلامی فراهم‌تر از گذشته می‌شود.

تفاسیر پیرامون مضمون نظارت ذیل نهادسازی دیگری که در حکمرانی ج.ا.ایران تحت عنوان شورای نگهبان قانون اساسی صورت گرفته از دیگر چالش‌هایی است که تداوم خواهد داشت؛ ماهیت این نظارت طبق تفسیر شورای نگهبان به طور استصوابی است که بنا به دلیل همین عدم شفافیت در مبانی مشروعیت، امکان سازوکار تفسیر قانون بر اساس نظرات بعضاً شخصی و نه مر قانون افزایش یافته و چالش‌های حکمرانی در دهه پیش‌رو را افزایش خواهد داد. کما اینکه این چالش‌ها در دهه فعلی نیز اثرات سوئی بر روند مشارکت مردم در انتخابات در کنار سایر علل قابل احصاء گذاشته است.

رعایت قاعده مصلحت تحت سازوکارهای نهاد مجمع تشخیص مصلحت بنا بر همین اختلاف در مبانی مشروعیت، میزان مشخصی در رعایت مصلحت و صدور احکام ثانویه ارائه نمی‌کند. این مسئله در اظهار نظر اخیر رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام که از قول رهبری انقلاب تصریح کردند «مصلحتی که با آن بشود حکم اولی شرع را موقتاً تعطیل کرد مصلحت ضروری است؛ نه صرف مصلحت راجحه» نمایان می‌شود. در حالی که پیش‌تر بنا به رأی‌گیری و موافقت بیش از نیمی از اعضاء،

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

مصلحت مورد شناخت، لازم‌الاجرا معرفی می‌شد. از همین رو کارکرد مجمع تشخیص مصلحت عمدتاً به سمت نظارت بر سیاست‌های کلان حکمرانی حرکت خواهد کرد.

از دیگر وجوه اثرگذاری و جایگاه اندیشه سیاسی شیعه در مؤلفه مشروعیت در حکمرانی ج.ا.ایران این است که طی دهه پیش‌رو، ابهام در سازوکار نقش‌آفرینی و مراجعه به خواست و نظر مردم تداوم خواهد داشت؛ یکی از سازوکارها مراجعه به اصل ۵۹ قانون اساسی و رفراندوم است. این مسئله در مورد نحوه اخذ خواست مردم و شناخت شرایط برای تغییر احتمالی شکل نیز وجود دارد. این در حالی‌است که اسناد بالادستی و آرای رهبران فکری نظام ج.ا.ایران بر نقش مردم و اراده‌ی آنان به‌عنوان علت محدثه و مبقیه حکمرانی کشور تأکید دارد؛ اما به دلیل عدم نظریه‌پردازی و اختلاف آرای اندیشمندان سیاسی شیعه در خصوص مشروعیت همچنان در نحوه اجرایی‌سازی دچار اشکال است. این مسئله در زمینه تقویت حضور مردم در بخش‌های مختلف و واسپاری مدیریت در عرصه‌های حکمرانی به ملت نمود بیشتری خواهد یافت.

با همه‌ی این وجود مظاهر حضور مردم در حکمرانی به خصوص فعالیت‌های جمعی که به منزله‌ی تأیید جهان‌بینی محوری حکمرانی ج.ا.ایران است (از جمله راه‌پیمایی‌های روز قدس و ۲۲ بهمن و سایر مناسبت-های اعلامی حکمرانی و حرکت‌های مردمی در تأیید نظام) طی دهه پیش‌رو صعودی خواهد بود. اما این دستاورد محدود به مشارکت توده‌ای و عمومی خواهد بود و همکاری جوامع نخبگانی برای جامعه‌پردازی نظام‌یافته در حکمرانی را به دنبال ندارد؛ مشارکت نهادمند سیاسی در قالب احزاب و مشارکت مدنی در قالب سازمان‌های مردم نهاد نیز از همین قسم خواهند بود.

البته افزایش مشارکت عمومی به معنای فقدان فعالیت‌های جمعی که در اعتراض به کم‌توجهی به سایر جنبه-های مشروعیت به خصوص مقبولیت و کارآمدی شکل می‌گیرد نیست. بلکه بالعکس به موازات این غفلت از وجوه مردم‌سالارانه حکمرانی، حرکت‌های اعتراضی در جامعه به طور تصاعدی خواهد بود.

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

۱- ۷ جمع بندی

تحلیل روند اندیشه سیاسی متفکران شیعه نشان می‌دهد که آرای این حضرات از حیث «حضور در بافتار سیاسی» و «عنایت به بن‌مایه‌های معرفتی و جهان‌بینی» متوازن با یکدیگر در حکمرانی جاری نشده و برخوردار از تطور سیاسی ناهمگن و ناتمام است. در خصوص مؤلفه‌ی مشروعیت از منظر تمامی این حضرات، اعتبار حکومت منوط به رعایت قانون الهی و ریشه تمامی حقوق از خداوند متعال دانسته است اما؛ در خصوص ماهیت انتصابی، انتخابی یا ترکیبی این منصب در حکمرانی اتفاق‌نظر ندارند.

ولی‌فقیه به طور عام منصوب خداست و حق شرعی و حق عرفی برای حکمرانی دارد. از منظر امام خمینی (ره) اگر تعارضی بین خواست مردم و مصالح اسلام پیش آید اولویت با تشخیص مصلحت توسط ولی‌فقیه است و کارکرد مطلقه برای همین بزنگاه است که محل تفاوت آرا ما بین اندیشمندان مذکور قرار داشته است. بهره‌گیری از احکام فقهی از جمله قاعده مصلحت، احکام حکومتی، ایده ولایت‌فقیه و بهره‌گیری از قاعده نفی سبیل بیانگر رویکرد اجتهادی و آینده‌نگرانه‌ای در اندیشه امام خمینی (ره) است که قابل مقایسه با سایر حضرات نیست.

تمایزهای ظریفی در زمینه‌ی میزان میدان دادن به جمهور مردم، نقش نظارتی ولی‌فقیه و عدم قرار گرفتن در رأس حکومت و نپذیرفتن زمام اجرایی امور دیده می‌شود. آینده متصور این روند نیز نمایانگر آن است که مسائل حکمرانی در خصوص حق و تکلیف شرعی و عرفی به‌عنوان ضامن پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری تداوم خواهد داشت. طی دهه پیشرو وجوه قانونیت، مقبولیت و کارآمدی پیرامون مؤلفه مشروعیت مورد غفلت قرار می‌گیرد. امکان سازوکار تفسیر قانون بر اساس نظرات بعضاً شخصی و ابهام پیرامون سازوکار نقش‌آفرینی و مراجعه به خواست و نظر مردم استمرار دارد.

آن فقهی که باید از گهواره تا گور انسان را در یک نظام حکمرانی فراهم آورد، در نبود مسئله‌یابی‌های درست و راه‌حل‌های واقعی از منابع شیعی پیش‌بینی نمی‌شود و صرفاً در بخشی از حکمرانی و در حیطه قانون-گذاری وضعیت کنونی با رویکرد شناخت «عدم مغایرت» و نه کشف «تطابق با شرع» دنبال می‌شود. مقوله قلمرو دین در ساحت اندیشه سیاسی شیعه گرانیگاه هرگونه آینده‌سازی است و تا زمانی‌که مبتنی بر تعریف حیطه‌ی دین در اندیشه سیاسی شیعه، نقشه راه دارای راهبرد و راهکنش‌های معین منقح نشود عملاً آینده-سازی دانشی با توفیق چندانی همراه نخواهد بود.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

منابع

کتاب ها و پایان نامه ها

ابوالحمد، عبدالحمید. (۱۳۶۸). مبانی سیاست، تهران، نشر طوس،

اسپریگنز، توماس. (۱۳۷۰). فهم نظریه‌های سیاسی. ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: آگه

اشتراوس، لئو. (۱۳۷۳). فلسفه سیاسی چیست؟، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: علمی و فرهنگی

بشیریه، حسین. (۱۴۰۰). از این جا تا ناکجا، تهران: نی

پدرام عبدالرحیم و همکاران. (۱۳۸۸). آینده‌پژوهی مفاهیم و روش‌ها، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری و دفاعی، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی

پدرام، عبدالرحیم. محمدرضا عیوضی. (۱۳۹۵). درآمدی بر آینده‌پژوهی اسلامی، تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی

حقیقت، سیدصادق. (۱۳۸۳). مبانی اندیشه سیاسی در اسلام، قم: دانشگاه مفید

زیباکلام، صادق. (۱۳۸۶). سراب علوم سیاسی در ایران، کنکاشی در اسباب و علل عقب‌ماندگی علوم سیاسی در ایران، در همایش بررسی وضعیت آموزش و پژوهش علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران، تهران: انجمن علوم سیاسی ایران

شیرخانی، علی. (۱۳۹۶). علوم سیاسی در ایران: بررسی وضعیت دانش سیاسی در جمهوری اسلامی تا پایان سال ۱۳۹۱، تهران: خرسندی

علیخانی و همکاران. (۱۳۹۰). اندیشه سیاسی متفکران مسلمان، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

حسینی بهشتی، سید محمد. (۱۳۸۰). مبانی نظری قانون اساسی گفتارهای حسینیه ارشاد و مشهد شهید بهشتی، چاپ سوم، تهران، بقعه

حسینی بهشتی، سید محمد. (۱۳۹۰). ولایت، رهبری، روحانیت، تهران، بنیاد نشر آثار شهید بهشتی

خامنه‌ای سید علی. (۱۳۹۱). ولایت، حکومت الهی و حاکم اسلامی تنظیم شده از بیانات حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، مؤسسه جهادی صهبا، تهران

خسروپناه، عبدالحسین و سایرین. (۱۳۹۶). منظومه فکری امام خمینی (ره)، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران

صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۶۴). دوره سه‌جلدی، تهران، اداره کل امور روابط‌عمومی و فرهنگی مجلس شورای اسلامی

صحیفه امام. (۱۳۷۸)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

فوزی، یحیی. (۱۴۰۰). علوم‌انسانی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران: پژوهشگاه علوم‌انسانی و مطالعات فرهنگی

قربانی آتانی، جواد. (۱۳۹۱). چشم‌انداز اندیشه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران. پایان‌نامه دوره دکتری اندیشه سیاسی. دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دانشگاه علامه طباطبایی

کاشی، غلامرضا. (۱۳۸۷). غفلت از وجوه هنجارین آموزش اندیشه سیاسی ایران، در همایش آموزش علوم سیاسی؛ چشم‌اندازها و راهکارها، تهران: انجمن علوم سیاسی ایران

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

گودرزی، غلامرضا و همکاران. (۱۴۰۰). دانشگاه آینده با نگاهی به روندهای جهانی و ملی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)
لیندگرن. ماتس و هانس باندهولد. (۱۳۸۶). طراحی سناریو؛ پیوند بین آینده و راهبرد، ترجمه عزیز تاتاری، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی
موسوی خمینی، روح‌الله . (۱۳۷۶). شرح حدیث جنود و عقل، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
موسوی خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۹). البیع، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران
موسوی خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۶). ولایت‌فقیه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران
ملکیان، مصطفی. (۱۳۷۸). اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران، تهران، انتشارات سمت
منوچهری، عباس. (۱۳۸۶). علم سیاست در ایران پساانقلابی – الزامات معرفتی و ظرفیت‌های کاربردی، در همایش بررسی وضعیت آموزش و پژوهش علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، تهران: انجمن علوم سیاسی ایران
میرشاه ولایتی، فرزانه. (۱۳۹۰). راهنمای عملی تدوین چشم‌انداز، تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی
مجموعه مقالات ششمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. (۱۳۹۶). تهران، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۹۴). حکیمانه‌ترین حکومت؛ کاوشی در نظریه ولایت‌فقیه، پژوهش و تحقیق توسط قاسم شعبان نیا، مؤسسه پژوهشی و آموزشی امام خمینی (ره)، قم
مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۲). نظریه سیاسی اسلام، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، جلد اول
مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۰). پرسش‌ها و پاسخ‌ها، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۴). پاسخ استاد به جوانان پرسشگر، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره)
مطهری، مرتضی. (۱۳۶۱). بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی، انتشارات حکمت
مطهری، مرتضی. (۱۳۷۴). پیرامون انقلاب اسلامی، انتشارات اسلامی، قم
مطهری، مرتضی. (۱۳۶۱). ده گفتار، انتشارات صدرا، تهران
مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷). مجموعه آثار، مؤسسه صدرا
نوذری، حسینعلی. (۱۳۸۷). نگاهی به رابطه پارادایم های سه‌گانه فلسفه سیاسی، اندیشه سیاسی و نظریه سیاسی و آسیب‌شناسی آنها در مراکز علوم سیاسی، در همایش آموزش علوم سیاسی؛ چشم‌انداز و راهکارها، تهران: انجمن علوم سیاسی

مقاله‌ها

اعتمادی بزرگ، امیر، فوزی، یحیی، حسینی، سید علیرضا، کسرایی، محمد سالار. ۱۴۰۱. بنیادهای نظری اندیشه تعالی در اندیشه سیاسی ایران معاصر رویکرد هستی شناسانه و معرفت شناسانه، فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام، سال دوازدهم، شماره چهارم.
برزگر، ابراهیم. ۱۳۸۸. کاربرد بومی‌سازی کتب درسی علوم‌انسانی: با تأکید بر علوم سیاسی، نشریه پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، سال چهارم، شماره ۲، پیاپی ۲۲
باوی، محمد.۱۳۷۷. وضعیت رشته علوم سیاسی در ایران، گزارش‌های علمی، سال اول، شماره ۳

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

بهروزی لک، غلامرضا. علیپور، محمود. ۱۳۹۰. کاربرد روش چشم‌انداز در مطالعات سیاسی، علوم سیاسی، سال چهاردهم، بهار ۱۳۹۰ شماره ۵۳
بشارتی راد، حسن.۱۳۹۴. درآمدی بر جریان‌شناسی فکری معاصر در جهان اسلام، فصلنامه پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۹
درخشه، جلال. ۱۳۷۸. نظریه حکومت در اندیشه سیاسی علمای شیعه ایران بین سال‌های ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷، فصلنامه دانشگاه امام صادق، شماره ۱۰
درخشه، جلال ۱۳۸۰، جستاری در تفکر سیاسی علمای شیعه از مشروطیت تا سال ۱۳۲۰، فصلنامه دین و ارتباطات، شماره ۱۳ و ۱۴
دلاوری، ابوالفضل.۱۳۸۵. ویژگی‌ها و گرایش‌های علوم سیاسی در ایران: نگاهی از دریچه نشریات تخصصی این رشته، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۵
حقیقت، سیدصادق. ۱۳۹۱. آسیب‌شناسی رشته علوم سیاسی در ایران، راهبرد فرهنگ، شماره نوزدهم
جعفر پیشه، مصطفی. ۱۳۸۳. بازتاب اندیشه سیاسی، مبانی مشروعیت نظام اسلامی در نگاه شهید مطهری، حکومت اسلامی، شماره ۳۱
جمالی، حسین. جمالی، مکرمه. ۱۳۹۷. وضعیت رشته علوم سیاسی؛ اکنون و آینده، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره چهام
رنجبر، مقصود. ۱۳۸۲. بحران علم سیاست در ایران، فصلنامه علوم سیاسی، سال ششم، شماره ۴، پیاپی ۲۴
زارعی، مجتبی، آرایی، وحید. ۱۴۰۰ . واکاوی و نقد الگوی حکمرانی خوب، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، دوره ۱۰ ، شماره پیاپی ۳۷
سلیمی، حسین. حداد، غلامرضا. ۱۳۹۸. آینده‌پژوهی وضعیت علوم سیاسی در ایران بر اساس الگوی تحلیل روند، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پانزدهم، شماره نخست
ساعی، احمد. ۱۳۹۸. جایگاه حکمرانی خوب در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران و اندیشه امام خمینی(ره)، رهیافت انقلاب اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۴۸
شوشتری، عباسعلی. ۱۳۹۸. ماهیت و شاخص‌های حکمرانی در نظام سیاسی جمهوری اسلامی، فصلنامه پژوهش‌های سیاست اسلامی، سال هفتم، شماره شانزدهم
علیخانی، علی‌اکبر. ۱۳۹۹. الگوی شناخت و دسته‌بندی اندیشه‌های سیاسی در ایران، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره نخست
مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۷۷. حکومت و مشروعیت، فصلنامه کتاب نقد، تابستان شماره ۷
معمری، حمیدرضا، غلامرضا بهروزی لک. ۱۴۰۰. تحلیل روند آینده پژوهانه از مطالعات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، دوره ۱۰، شماره ۳۷، شماره پیاپی ۳۷
موسوی شربیانی، سیدجلال، علیانسب، سید حسین، نائیج، علیرضا. ۱۴۰۲ . ملاک‌های تحقق شاخصه-های کارآمدی نظام ولایت فقیه در جمهوری اسلامی ایران بر اساس مقدورات و موانع، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال سیزدهم، شماره دوم

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

منابع لاتین

Marcuse,Herbert,one Dimesional Man, Boston: 1964

Hines Andy, Strategic, Foresight The state of the art. World future society , futurist 2006

Lyall, c,i.Tait. (2005) . shifting policy debates and the implications for governance. Pp. 1-17 c. Lyall and j.Tait (eds), new modes of Governance, Developing an Integrated Approach to Science, Technology, Risk and the Environment. Aldershot, England: Ashgate publishing

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید: DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۴۰۲۰۲

معمری، حمیدرضا؛ درخشه، جلال؛ ابطحی، سیدمصطفی (۱۴۰۳)، «آینده‌پژوهی اندیشه سیاسی شیعه پیرامون مشروعیت در مبانی حکمرانی ج.ا.ایران» فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۴، ش۲، تابستان ۱۴۰۳، صص ۲۵-۱.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]